

## شپيره و چشمه آفتاب

گر نينيد به روز شپيره چشم \*\*\*\* چشمه آفتاب را چه گناه

توجه محترم "امام محمد ساعي" را بخاطر مقاله شان تحت عنوان "مصالحة با طالبان، احياي منطق عقب گرايي" به مطالب ذيل جلب ميکنم.

از آنجا که کشور افغانستان یک کشور عقب نگه داشته شده است به هيچ دليلی نمیتوان قضاوت را چنین تمسک داد که فقط یک قوم، قبیله گرا و وحشی بوده و اعضای دیگر جامعه یعنی قبایل دیگر متمدن و اهلی حضور دارند. هر اجدد خوانی میداند که اعمال سیاسی تنظیم شده بوسیله دشمنان وطن مثل پاکستان و ایران و دیگران از اقوام موجود در افغانستان سوء استفاده ها کردند. بطور مثال گماشتگان پاکستان بوسیله تاجک ها هزاره ها را در افشار چنان بی رحمانه کشتند که تاریخ نظیر آنها ندیده بود. خلاصه گماشتگان هزاره نیز در جایی و گماشتگان پشتون نیز در جایی کمتر از تاجیک ها در جنایت نبودند. باید گماشتگان را بقول معروف اشخاص بی قوم و بی طبقه (لومین) دانست که هم به قوم و هم بوطن خود مشغول خیانت هستند. بهر حال هر انسان متمدن بخصوص کسیکه با کلمات تمدن، منطق و چهره حق بجانب تمدنی میخواهد بر موضوع مشخص مقاله ای بنویسد باید در قدم اول غرض حفظ منطق، تمدن و شهری گری خویش، حُب و بغض خود را که بدتر از قبیله گرايي و انسان های عشیره یی است مهار کرده و زیر بار نفسانیات خویش نرود، و مانند جالوت یک چشم فقط یک قوم را بخاطر بغض شخصی خویش، بی اساس و دور از شهری گری و تمدن و منطق مورد نکوهش قرار ندهد.

مردم افغانستان اعم از تمام اقوام افغانستان در تحمل و بردباری بار گران رنج تحمیل شده جنگ و جنایت، باهم شریک بودند و هستند. همچنان در دفاع از میهن. مردم افغانستان بلا استثنا در سنگرهای داغ دفاع از وطن دوشادوش با برادران اقوام دیگر افغان سهیم بودند. اقوام این کشور تا دامن زدن نفاق قومی در افغانستان پوز بزرگترین ابر قدرت های جهان را بزمین زدند و برادر وار در کنار همدیگر زیست باهمی داشتند. با وجود دامن زدن نفاق قومی از طرف بیگانگان، باز هم در کنار هم (بکوری چشم دشمنان) زندگی داد و ستد دارند.

نامردان زمانه را بدبختانه رسم برین است که سرزمینها و ممالک خارایی را که نمی توانند تحت تسلط، سیطره و قیمومت خود بیاورند دست به ترندهای شیطانی زده بوسیله عناصر خود فروش و طن فروش، بنیاد خارایی بودن آنها را با آتش نفاق قومی یا مذهبی و یا سمتی میسوزانند. چنانچه مشمت نمونه خروار ما دیدم سرزمین خارایی یوگوسلاویا را که در زمان تیتو سرزمین تسخیر ناپذیر بود به اجزای خنثی تبدیل کردند و امروز برهریک از آن اجزا جدا جدا تسلط دارند.

### و اما در مورد طالبان :

طالبان با تمام وحشی گری عریان خود که از تمدن به فرسنگ ها دور بودند امروز از طرف مردم درد کشیده در ستایش اند. بخاطریکه دولت ربانی و اتحاد شمال روزگاری را بر مردم آورده بود که نه بکسی زن گذاشتند نه دختر ونه بچه. همچنان به نوامیس ملی دست درازی کردند، وزارتخانه ها را بتاراج بردند و تمامین نهاد های تمدنی را قبل از طالبان به دست نیستی سپردند. مزید بران هر قوماندان در هر منطقه حاکم تام الاختیار بود. و از امنیت مال و سر و ناموس مردم خبری نبود همینکه طالبان گماشته شده پاکستانی و عربی با **اعتقاد به اسلام** داخل منطقه شدند در سمت مشرقی دو قوماندان جنگی مهم خود را که بر سر بچه بازی باهم دعوا کرده بودند هر دو را در میله های تانک غرغره کردند. و بگفته مردم امنیت تام در افغانستان آورده شد، که مردم میتوانستند شب و روز دروازه های شانرا باز گذارند. اگر سکه طلای روی زمین افتاده میبود جرئت برداشتن آنها کسی نداشت و مصئونیت مال و ناموس مردم با تمام جبرها حتمی شد.

بقول جناب لطیف ناظمی شاعر و قلمدار معروف کشور که خود الحمد لله حیات دارد چنین میگوید:

بعد سقوط طالبان من به کابل وبخصوص براديو رفتم بخاطر علاقه ام براديو تصادفی با همان پیاده که سالها در راديو خدمت رؤسای راديو را به عهده داشت بر خوردم بعد از عرف معموله از وی صمیمانه پرسیدم راست بگو در بین اینقدر رئیس راديو که در راديو آمده و تو آنها را با عمل کرد شان از نزدیک دیده یی کدام آن بنظر تو بهتر بود ؟

د پايو شميره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

آنمرد (بخاطریکه چون من حضورداشتم) اول مرا ودوم رئیس رادیوی طالبان را مورد ستایش قرار داد. از خود گذشتم و از رئیس رادیوی طالبان پرسیدم که به چه دلیل از او ستایش میکنید؟

سوگند خورد که او شخص بی غرض بود و هیچ کس را اذیت و آزاری نمی رساند. در روزهای اول وقتی او به رادیو آمد مثل همیشه شکایات مخابراتی که از طرف مخبرین رادیو در رُوک میز او انداخته میشد. وقتی متوجه آن شد و از من پرسید اینها چه هستند با توضیح من، امر کرد که دیگر کسی اجازه ندارد چنین کار را انجام دهد. از آن روز بعد اعضای مظلوم رادیوتوانستند نفس راحت بکشند.

غیر از این چشم دید باید خاطر نشان کرد که جز رهبری اعضای طالبان همه شان پشتون نبودند. در بین آنها تاجیک، اوزبک، هزاره، ترکمن و خارجی های زیاد دیگری نیز مثل عرب ها، چین ها، فرانسوی ها، هالندی ها، امریکایی ها، عرب ها، پاکستانی ها و...و... موجود بودند و هستند که نمی شود همه را از یک قوم بقول شما آنها غیر متمدن یعنی وحشی قلمداد کرد.

اگر شما را انصاف باشد با تمام وحشی گری های طالبان به عنوان مقایسه بین دو بد و بدتر یعنی رژیم طالبان و رژیم اتحاد شمال کدام را بد و کدام را بدتر میشناسید؟ لطفاً با دلیل و منطق، خالی از احساسات عاطفی فکت وار مقایسه را ارائه دهید تا قضاوت شما را من حیث یک نویسنده ارجگذاریم.

دولت فعلی که متشکل از دزدان، آدمکشان، قطاع و طریقان، جواسیس بیگانگان، دسته های مافیای اسلحه و مواد مخدر و مافیای زمین و مافیای انسان است. درین خندقسرا چرا طالبان موجود نباشند؟ که حد اقل تشنج جنگی پایان یابد. شما همه کثافات را که بنفع آرزوهای تان است در دولت فعلی قبول دارید و زمانیکه به کثافت طالبی میرسید با لفاظی آنرا "احیای منطق عقب گرایی" مینامید، درحالیکه منظور نهان جمله تان غیر مستقیم میرسانید که دولت فعلی با تمام بوی گند آن یک دولت منطق گرا و مترقی است؟؟؟ و با آمدن طالبان احیای منطق عقب گرایی آغاز میشود. آیا این چنین قضاوت خنده آور نیست؟

در پایان از شما آرزو میکنم که اگر واقعاً این حرف ها را بخیر و صلاح جامعه میزنید اول خود تانرا از قبیله گرایی بیمار برهانید. باز بر قبیله گرایی بیمار دیگران بپردازید. در پایان به شما چند سفارش دوستانه دارم.

اول اینکه هنوز شما در شکلیات نویسنده هستی نه در محتوی آن، این وضاحت از لغت بازی های بی مورد و بیجای شما آشکاراست. بطور نمونه لغت ناصحیح «ویلمون» که در اصل [Elément] است و از زبان فرانسوی بشکل نامأنوس برداشته آید و بجای کلمه زیبای «عنصر» بکار برده آید کاملاً ناجاست. زیرا این کلمه نامروج و برای مردم غیر فرانسوی زبان و بخصوص افغانها کاملاً بیگانه است. یا اینکه شاید مقاله شما را کدام ایرانی تحریر کرده باشد.

دوم باید بدانید که هیچ قومی در جهان مورد نکوهش نیست و نخواهد بود. چنانچه قوم آلمان با تمام یهود کشی اش قابل نکوهش نیست. اگر قوم آلمان "هیترلی" داشت در جهت مقابل "شتوفین بیرگی" را نیز داشت. امروز وحشی های جنگلات آمازون چیزهای خوب و عالی در بین خود دارند که شما شخصاً آن را در خود ندارید. چه رسد به اقوامی که دارای فرهنگ هایی قدیمه هستند. بلا استثنا تمام اقوام افغانستان چه هزاره باشد چه ترکمن و چه تاجک باشد و چه پشتون و چه اوزبک و چه بلوچ و چه هندو و... و... هر یک دارای فرهنگ های اصیل خویش اند که تجربیات هزاران ساله را در خود ذخیره دارند.

تشخیص اینچنین فرهنگ ها نیاز به تحقیق سالم و نیاز بچشمان زیبایی دارد که زیبایی های آنان را دقیق ببیند و تحقیق نماید نه چشمان بیمار با خصوصیت اغماضی و قبیلولی.

پایان